

افراز ۲ سارق مسلح

به قتل راننده بی گناه

اعضای یک شبکه سرقت که در جریان دستبرد به کامیون‌های حامل بار در حوالی شهرستان شوشتر یک راننده بی گناه را هم به قتل رسانده بودند، بازداشت شدند.

تیرماه امسال بود که مأموران گشت پلیس شهرستان شوشتر به کامیون رها شده حوالی شهر نزدیک شدند و پس از گشودن در کابین، جسد راننده را در حالی که به ضرب گلوله کشته شده بود، کشف کردند. تحقیقات پلیس همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی نشان داد که محموله کامیون به همراه پول و تلفن همراه راننده سرقت شده است.

بررسی‌های اولیه حکایت از این داشت که راننده از سوی راهنران جاده‌ای هدف قرار گرفته و کشته شده است. در حالی که تلاش‌ها برای شناسایی اعضای باند سرقت ادامه داشت، شکایت‌های مشابه درباره سرقت از کامیون‌ها به پلیس گزارش شد. شایکان که راننده‌های کامیون و صاحبان مغازه‌های بی راهی بودند، گفتند که از سوی دو مرد مسلح تهدید و اموالشان سرقت شده است. کار آگاهان پلیس سرانجام موفق به دستگیری دو سارق مسلح شدند. از مخفیگاه متهمان هم دو قبضه اسلحه، تعدادی گوشی تلفن همراه، چاقو و فشنگ کشف و ضبط شد. آنها در اولین بازجویی‌ها به هفت سرقت مسلحانه و قتل راننده تریلی افراز کرند. شهرستان شوشتر از شهرستان‌های شمالی استان خوزستان است که در ۹۰ کیلومتری شمال شرقی اهواز و در ۶۰ کیلومتری شرق دزفول قرار دارد.

کلاهبرداری طلائی با وعده سرمایه گذاری

زن کلاهبردار که با وعده سرمایه گذاری در طلاسازی، ۵۰۰ میلیون تومان پول زنان خانه دار را سرقت کرده بود، به دام پلیس افتاد.
به گزارش خبرنگار ما، این پرونده اول آذرماه روی میز کارآگاهان پایگاه دوم پلیسآی تهران قرار گرفت. شاکلی که زن جوانی بود، در توضیح شکایت گفت: یک سال قبل یکی از دوستانم که زن ۴۲ساله‌ای به نام پروین است، گفت پس اندازش را در طلاسازی سرمایه گذاری کرده و از این راه پول خوبی به دست آورده است. او وقتي فهميد پيشنهاد همکاري داد و گفت در صورتی که پس انداز را به او بدهم می تواند ماهانه سود خوبی به من پرداخت کند. من هم وسوسه شدم و به او اعتماد کردم و ۱۲ میلیون تومان پولی را که داشتم در اختیارش گذاشتم. او هم هر ماه مقداری پول به عنوان سود سرمایه گذاری به حسابم واریز می کرد که من هم راضی بودم. پس از آن بود که ماجرا را برای بستگام توضیح دادم و پروین را به آنها معرفی کردم. آنها که حدود ۲۰ نفر بودند، پول هایشان را که بیش از ۵۰۰ میلیون تومان بود، به حساب پروین واریز کردند. پروین هم هر ماه سود سرمایه گذاری را به حساب‌های آنها واریز می کرد تا اینکه شهرپورماه بود که



پروین تماس گرفت و گفت دیگر حاضر نیست سود پول و اصل سرمایه را به من و بستگامم برگرداند. ابتدا فکر کردم شوخی می کند، اما وقتی پولی به حساب‌ها واریز نشد، فهمیدم که قصد کلاهبرداری داشته است.

کارآگاهان پس از چند ماه تحقیق خانه پروین را در منطقه شهرآرشناسایی و او را بازداشت کردند. اولین بررسی هانشان داد که پروین هیچ سرمایه گذاری‌ای در زمینه طلا نداشته است. او در شرح ماجرا گفت، مدتی قبل پول زیادی به‌دکتر شدم به خاطر همین تصمیم گرفتم تا به این شیوه دوستانم را قریب دهم و از آنها کلاهبرداری کنم. مطابق نقشه آنها بعد از شنیدن حرف‌هایم وسوسه شدند و پول هایشان را به حسابم واریز کردند. چند ماه مقداری از پول هایشان را به عنوان سود به حسابشان واریز کردم، اما بعد پرداخت پول را متوقف کردم تا اینکه دستگیر شدم.

سرهنگ کارآگاه سعیدالله گزافی، رئیس پایگاه دوم پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: با توجه به اعتراض صریح پروین به کلاهبرداری او مالبختگان، قرار قانونی از سوی قاضی صادر شده و او در اختیار پایگاه دوم پلیس آگاهی تهران بزرگ قرار گرفته است.

۱۱ کشته در برخورد ۲ مینی بوس در مرز چذابه

تصادف دو خودروی مینی بوس در نزدیکی شهر العمار عراق ۱۱ کشته و ۱۲ زخمی بر جای گذاشت.
این حادثه شامگاه شنبه، هفتم آذرماه بعد از مرز چذابه و در نزدیکی شهر العمار عراق اتفاق افتاد. براساس گزارش‌ها همه مصدومان و دو نفر از قربانیان حادثه ایرانی هستند. علت حادثه اعلام نشده است.

گفت و گو با امیر



خودت را معرفی کن؟

امیر هشتم ۱۹ سال دارم.

چکاره‌ای؟

دانشجوی مهندسی یکی از دانشگاه‌های تهران هستم.

چه نسبتی با دو مقتول داری؟

رسول پسر عموی من بود و مادر بزرگش هم از بستگان مادرم بود.

چه شد که دست به قتل زدی؟

من قصد داشتم با همسر پسر عمویم حرف بزنم و آنها را آشتی بدهم. به همین دلیل با او قرار گذاشتم و به خانه شان رفتم. در حال حرف زدن بودیم که رسول از راه رسید. او وقتی فهمید پیشنهاد همکاری داد و گفت در صورتی که پس انداز شکست وارد خانه شد و مرا دید. خیلی عصبانی شد و با من درگیر شد و همان لحظه با پدرش تماس گرفت و مادر بزرگش را صدا زد. من با او به داخل خانه کشاندم و خواستم آرامش کنم که به طرف آشپزخانه رفتم و چاقویی برداشتم. من چاقو را از دستش گرفتم که دست چپم زخمی شد و بعد با هم درگیر شدیم که همسرش از پشت به او حمله کرد و چندین ضربه چاقو به او زد.

شما هم چاقو زدی؟

من به مادر بزرگش اصلا ضربه‌ای نزدم، اما در آخرین لحظه که پسر عمویم به دیوار تکیه داده بود، چاقو را از همسرش گرفتم و به او گفتم خودرو را آماده کند که ضربه‌ای به گردنش زدم.

بعد از قتل چه کار کردید؟

بعد هر دو با خودروی مقتول فرار و خودرو را کنار خیابانی پارک کردیم. لباس‌های ما خونی بود به همین خاطر با پسر خاله‌ام تماس گرفتم تا برای من لباس بیاورد و آذر هم از خواهرش خواست لباس برایش بیاورد. سپس از اینکه لباس‌های خونی را عوضی کردیم، از کارت اعتباری ما ۴۰۰ هزار تومان برداشت و به ساری فرار کردیم.

در این مدت فقط در ساری مخفی بودید؟

نه ما هر چند روز یک بار مخفیگاهمان را به شهر دیگری تغییر می دادیم تا شناسایی نشویم.

چه شد که به تهران برگشتید؟

هرچه پول داشتیم، خرج کردیم و حتی طلاهای آذر را هم فروختیم و خوردیم. پس از آن به تهران آمدیم تا پول بگیریم که پدرم با من حرف زد و مرا راضی کرد تا خودمان را پول کنیم.

فکر نمی کنی رفتار ت اشتباه بود؟

(سکوت می کند)

حواشات

سرویس حوادث ۸۸۴۹۸۴۳

عاملان جنایت نیاوران حادثه را شرح دادند

قصه آذر و امیر از قتل رسول

«صادر بزرگم را نکش»؛ این آخرین جمله مرد جوانی است که پیش از مرگ از همسر جنایتکارش خواست از قتل زن سالخورده منصرف شود.

همسر مقتول که آذر نام دارد، پس از ارتکاب دو فقره قتل به همراه پسر جوان دست به یک فرار ناکام زد تا اینکه خود را تسلیم پلیس کرد.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۱ صبح روز شنبه ۲۳ آبان ماه قاضی مدیر روستا، بازپرس ویژه قتل از دادرسی جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری نیاوران از قتل مرد جوانی همراه زن سالخورده‌ای در خانه‌ای او طبقه باختر شد. لحظاتی پس از آن بود که بازپرس همراه کارآگاهان جنایی اداره دهم پلیس آگاهی در محل به تحقیق پرداخت. مأموران در طبقه اول این خانه با جسد

آذر که شوهر و مادر بزرگ شوهرش را با ضربات متعدد چاقو به قتل رسانده بود، صبح دیروز از سوی قاضی مدیر روستا بازجویی شد. متهم در بازجویی‌ها مدعی شد قصد کشتن شوهر و مادر بزرگ او را نداشته است و این حادثه اتفاقی رخ داده است.

چه زمان بود که با رسول از دواج کردی؟

یک سال قبل با او آشنا شدم و بعد هم ازدواج کردیم.

شغل او چه بود؟

کارمند وزارت ارشاد بود.

مگر چه اختلافی با شوهرت داشتی که دست به قتل او زدی؟

ما ابتدا اختلاف نداشتیم و با هم زندگی خوبی را شروع کردیم، اما حدود سه هفته از زندگی مشترک ما گذشته بود که به رفتارهای شوهرم مشکوک شدم و همین موضوع زندگی ما را خراب کرد.

چه رفتاری انجام داد که شما به او بدبین شدی؟

هر وقت به خانه می آمد، فقط سرش به گوشی‌اش بود و پیامک می داد و از طرفی هم گوشی‌اش را در اختیار من قرار نمی داد تا اینکه احتمال دام او بی زنی در ارتباط است.

در این باره با او حرف زدی؟

بله. یک روز به من گفت که قصد دارد برای انجام مأموریتی به شهرستان برود. وقتی از خانه خارج شد، آژانس گرفتم. او را تعقیب کردم و دیدم دختر جوانی را سوار کرد. پس از آن جلوی خودرواش را گرفتم، وقتی مرا دید تعجب کرد و به من گفت که آن دختر از دوستان دوران کودکی‌اش است و فقط می‌خواسته او را ببیند. من با او قهر کردم تا اینکه شب یکی از بستگانش به خانه ما آمد و ما را آشتی داد، اما این آخر ماجرا نبود.

بعد چه شد؟

مدتی گذشت و قرار بود شوهرم ارتباطش را با آن دختر قطع کند، اما او نهنتها ارتباطش را قطع نکرد، بلکه او را به خانه ما آورد و گفت قصد دارد با او ازدواج کند. بعد از آن بود که من قهر کردم و به خانه پدرم رفتم.

این بار بستگان برای آشتی دادن شما میانجیگری نکردند؟

پدرش و مادر بزرگ من و تعدادی از بستگان نزدیک خیلی تلاش کردند، اما من قبول نمی‌کردم. مثلاً چند روز قبل از حادثه پدرش به خانه ما آمد و خواست مرا به خانه برگرداند، اما من قبول نکردم تا اینکه بعد از آن شوهرم به خانه ما آمد و خواست با او به

زن ۲۴ساله‌ای به نام شهربانو و کمی آن طرف‌تر با جسد مرد ۲۹ساله‌ای به نام رسول روبه‌رو شدند که با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده بودند. بررسی هانشان داد خانه متعلق به شهربانو است و رسول هم نوه اوست که مدتی است طبقه اول این خانه را اجاره کرده است. تحقیقات بعدی هم نشان داد، رسول مدتی بود با همسرش اختلاف داشت و در این خانه تنها زندگی می‌کرد. در حالی که تحقیقات درباره این حادثه ادامه داشت، پدر مقتول به مأموران پلیس گفت: لحظاتی قبل از حادثه پسرم با من تماس گرفت و از من خواست قفل سازی را به معرفی کنم. وقتی علت آن را پرسیدم گفت که همسرش آذر با بازپرس مدیر روستا برای انجام تحقیقات بیشتر در اختیار کارآگاهان جنایی قرار گرفتند.

گفت و گو با آذر



چرا قرار ملاقات را جای دیگری نگذاشتید؟ مثلاً داخل خودرو با هم حرف نزدید؟

فکر کردیم آنجا راحت‌تر می‌توانیم با هم حرف بزنیم.

پس چرا در خانه را از پشت قفل کردید؟

(سکوت می کند).

درباره حادثه توضیح بده؟

من و پسر عموی شوهرم در حال حرف زدن بودیم که متوجه شدیم، کسی قصد دارد در را باز کند. وقتی از چشمی در نگاه کردم ، شوهرم پشت در بود. او وقتی فهمید در از پشت قفل است. در زدم اما در را باز نکردیم. شوهرم فهمیده بود من داخل خانه هستم به همین خاطر تهدید کرد اما فایده‌ای نداشت تا اینکه با پیچ گوشی قفل در را شکست و وارد خانه شد. وقتی امیر را با من تنها در خانه دید با امیر درگیر شد. شوهرم گلولی امیر را گرفته بود و فشار می‌داد که من از پشت چند ضربه چاقو به او زدم. پس از آن فریادش به آسمان بلند شد به طوری که صدایش حتی به داخل کوچه هم رسید.

یعنی شما شوهرت را به خاطر درگیری با پسر عمویت کشتی؟

بله، اما آن لحظه نفهمیدم و ضربات متعددی به او زدم.

مادر بزرگش هم ساکن همان ساختمان بود. چرا او را به قتل رساندی؟ مگر با او هم اختلاف داشتی؟

مادر بزرگش وقتی صدای رسول را شنید، از طبقه بالا به پایین آمد و وقتی رسول را خونین دید به سرعت به طرف در رفت و خواست از همسایه‌ها کمک بگیرد که او را به داخل خانه کشاندم و چند ضربه هم به او زدم.

وقتی مادر بزرگ را کشتی، شوهرت هنوز زنده بود؟

بله. شوهرم به دیوار تکیه داده بود و فریاد می‌زد همسدر بزرگم را نکش، با او کاری نداشته باش! اما من چیزی نمی‌فهمیدم و فقط با چاقو به او ضربه می‌زدم. **بعد چه شد؟**

بعد از این، من رفتم سوئیچ خودرو را برداشتم و با امیر فرار کردم.

خودت باورت میشه برای آشتی با شوهرت با پسر عموی شوهرت‌ان به خانه رفته باشید؟
ما غیر از حرف زدن با هم هیچ ارتباطی نداشتیم.



تولد نوزاد داخل قطار

نوزاد یکی از مسافران داخل قطار اهواز – تهران متولد شد. این مسافر که ساکن یکی از وساتهای شهرستان اندیمشک است، فرزندش پسر است.
این ماجرا چهارشنبه هفته گذشته اتفاق افتاد و پدر نوزاد مردی ۲۳ ساله است که اولین فرزندش در نزدیکی ایستگاه «چم سنگر» لرستان در قطار متولد شد. شرکت مهتاب سیر جم بیلت رایگان یک کوبه رفت و برگشت به مشهد را به پدر و مادر این نوزاد داده است.

امید دیمیار به ادامه زندگی

اعضای بدن مردی که در جریان سانحه رانندگی دچار مرگ مغزی شده بود، به بیماران پیوند شد.
۲۰ آبان ماه بود که مرد ۴۲ساله‌ای که حیدرعلی نام داشت، در شهرستان ازنا در جریان حادثه رانندگی مجروح و پس از انتقال به بیمارستان چمران بروجرد به مرگ مغزی مبتلا شد. پس از آن بود که اعضای بدن وی با موافقت خانواده‌اش به پنج بیمار نیازمند اهدا شد.

هشدار پلیس به زائران اربعین

قبل از سفر

اطلاعات مهم گوشی را پاک کنید

سرپرست اداره پیشگیری از جرائم سایبری پلیس فتاای ناجا به شهروندان خصوصا زائران اربعین توصیه کرد برای جلوگیری از سوءاستفاده اطلاعات داخل گوشی‌ها به خصوصی‌های هوشمند، اطلاعات غیر ضروری را از گوشی خود پاک کنند.
سرهنگ آذر درخش ادامه داد: زائران اربعین به یاد داشته باشید مسئله فقط پول نیست اگرچه گوشی‌های هوشمند همواره گران هستند، مسئله بدتر دسترسی پاینده با سارق به بسیاری از اطلاعات کاملاً شخصی و خصوصی شماست که می‌تواند برای شما مشکل ساز شود.

وی با اعلام اینکه حتماً روی گوشی و سیم کارت خود رمز بگذارید و بین کد آن را فعال کنید، افزود: رمز مورد استفاده غیر قابل حدس زدن باشد تا در صورت گم شدن یا به سرقت رفتن به راحتی نتوانند به اطلاعات شما دسترسی یابند.

سرهنگ آذر درخش با بیان اینکه در طول سفر حتماً حافظه گوشی خود را خالی کنید، گفت: عکس و کلیپ‌های شخصی و خصوصی خود را از گوشی‌ها روی حافظه‌های جانبی منتقل کنید. وی تأکید کرد لیست تلفن خود را نیز محدود کنید و شماره‌های آشنایان و غیره را که در طول سفر به آن نیاز ندارید، از گوشی خود پاک کنید؛ چراکه در صورت به سرقت رفتن گوشی شما می‌تواند این اطلاعات را به شماره‌ها سوءاستفاده و برای آنها ایجاد مزاحمت کند.
این مقام آگاه با بیان اینکه در طول سفر بلوتوث، شیریت، واپیا، ... گوشی خود را خاموش کنید، افزود: از دریافت فایل از این طریق خودداری کنید؛ چراکه احتمال آلوده بودن این فایل‌ها به نرم‌افزارهای مخرب و جاسوسی وجود دارد. وی با بیان اینکه از اختیار گذاشتن گوشی خود به افراد غریبه و شناسن خودداری کنید، زیرا این افراد می‌توانند از گوشی شما یا شماره سوء استفاده و برای شما درسر ایجاد کنند، گفت: در صورتی که گوشی شما مفقود شد یا با شما تماس گرفتند، برای تحویل گوشی حتماً مراتب را به نمایندگان کاروان و پلیس در میان بگذارید.

آگهی ثبتی

آگهی تغییرات موسسه تأمین اقسام مصرفی بسیجیان به شماره ثبت ۷۵۶۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۲۷۴۹۵ به استناد صورتحلسه هیئت انما مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
محمود مرتضایی دارای کدملی ۰۴۵۰۹۷۲۵۴۲ به عنوان رئیس مدیره و سید احمد سجانی دارای کدملی ۳۷۸۰۰۷۴۰۲۸ به عنوان مدیرعامل و عضو هیئت مدیره و حسین خسروی دارای کدملی ۴۱۳۱۹۰۶۸۶۴ به عنوان عضو هیئت مدیره و محمود رازقی دارای کدملی ۰۰۵۲۵۹۲۶۸۵ عنوان عضو هیئت مدیره و ابوالقاسم صدرانی دارای کدملی ۰۵۳۲۸۳۷۹۷۱ به عنوان عضو هیئت مدیره.
به عنوان اعضای هیئت مدیره موسسه به مدت دو سال انتخاب گردیدند.

موسسه حسابرسی اهمیت شرکت نگر به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۴۶۵۴۷۰ به عنوان بازرس اصلی و شرکت حسابرسی کوشر بنیاد تعاون بسجج به شناسه ملی ۰۱۸۶۶۰۱۰۲۰۱ به عنوان بازرس علی البدل برای مدت یکسال انتخاب گردیدند.
کلیه قراردادهای اسناد تعهدآور و سفته و برات و چکها با امضاء ثابت رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل همراه با مهر موسسه و در غیاب مدیرعامل، با امضاء رئیس هیئت مدیره و یکی از اعضای هیئت مدیره موسسه همراه با مهر موسسه و ابواق عادی و اداری با امضاء مدیرعامل و با رئیس هیئت مدیره همراه با مهر موسسه معتبر می‌باشد.

با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب بازرس، انتخاب مدیران، تعیین وضعیت حق امضاء انتخاب شده توسط مناقضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری تهران
م.ا.ف: ۱۴۱۷۳۷۱ – بارکد: ۷۹۲۷۱۲۴۳۴۰

سازمان آگهی‌های روزنامه جوان تلفنی آگهی می‌پذیرد ۸۸۴۹۸۴۷۳

آگهی ثبتی

آگهی تغییرات شرکت کرانه نیلگون افق سهامی خاص به شماره ثبت ۴۱۲۹۶۷ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۴۰۲۰۳ به استناد صورتحلسه مجمع عمومی عادی سالانه مورخ ۱۳۹۴/۰۳/۲۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
موسسه حسابرسی فرانتگر حساب خیره شناسه ملی ۱۰۳۲۰۴۵۷۵۵۶ به عنوان بازرس اصلی و موسسه حسابرسی هوشیار ممیز علی شماره ثبت ۱۱۰۲۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۲۹۶۴۵ به عنوان بازرس علی البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند.

روزنامه کثیرالانتشار جوان جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین کردید.
با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب بازرس، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار، تصویب ترانزنامه و صورتهای مالی انتخاب شده توسط مناقضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیر تجاری تهران
م.ا.ف: ۱۴۱۷۳۸۱ – بارکد: ۷۹۲۷۳۳۱۵۵۵